

فهرست مطالب



۷..... پیشگفتار
۹..... جدول قوانین خاص آزمون وکالت اسکودا و مرکز وکلای قوه قضاییه

فصل اول: قوانین

۱۳.....	قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۰۴/۰۲
۱۴.....	قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲
۵۸.....	قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱
۶۵.....	قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶/۰۵/۰۲
۷۹.....	قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۷/۰۵/۲۶
۹۱.....	قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷
۹۵.....	قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰
۹۹.....	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۱۲۲.....	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۰۸/۰۱
۱۲۸.....	قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۱۰
۱۵۳.....	قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۶۷/۰۱/۱۷
۱۶۴.....	قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳
۱۶۹.....	قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵
۱۷۷.....	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵
۱۸۵.....	قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۰۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی ۲۰۹
۲۰۹.....	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۰۴/۲۴
۲۶۴.....	قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷
۲۷۶.....	قانون راجع به ثبت شرکت ها مصوب ۱۳۱۰/۰۳/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۲۹۳.....	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ با آخرین اصلاحات و الحاقات
۲۹۸.....	قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۴
۳۱۰.....	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۱۳
۳۲۶.....	قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵
۳۵۱.....	قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱
۳۶۷.....	احکام جزایی قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی (مواد ۱۰۰ تا ۱۱۷)
۳۷۰.....	قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰
۳۷۵.....	قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی
۳۷۸.....	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام
۳۸۸.....	قانون مجازات اشخاصیکه برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷/۰۵/۰۳
۳۹۵.....	قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸/۰۱/۰۵
۳۹۷.....	قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵
۴۰۱.....	

۴۰۴ قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲
۴۰۶ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰
۴۱۳ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰
۴۵۳ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷
۴۵۶ قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶
۴۶۲ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹
۴۶۶ با آن مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۰
۴۷۰ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳
۴۷۷ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار ۱۳۹۹/۱۲/۲۴
۴۸۴ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶/۰۳/۱۵

فصل دوم: آیین‌نامه‌ها و لایحه قانونی ۴۹۵

۴۹۶ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ رییس قوه قضاییه
۵۰۷ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ رییس قوه قضاییه
۵۳۴ لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵
۵۴۱ آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷ رییس قوه قضاییه با اصلاحات و الحاقات بعدی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۸)

فصل سوم: تصویب‌نامه هیأت وزیران ۵۸۳

۵۸۴ تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص میزان مبالغ مجازات نقدی جرایم و تخلفات مندرج در قوانین و مقررات مختلف، به استناد ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹
۵۹۹ منابع

پیشگفتار



از سوز محبت چه خبر، اهل هوس را؟ * این آتش عشق است نسوزد همه کس را!^۱


قوانین فرعی، که اسکودا و مرکز وکلای قوه قضائیه تحت عنوان «قوانین خاص» از آن یاد می‌کنند، اصطلاحی است که در طی چند سال اخیر بخشی از منابع آزمون وکالت را تشکیل می‌دهند، مانیز، نه در جهت پیروی از اصطلاح «غلط مرسوم»، بلکه برای جلوگیری از سردرگمی داوطلبین، در ارایه کتب جامع با محوریت متون قانونی فرعی برای آزمون وکالت، از اصطلاح رایج «=قوانین خاص» استفاده می‌کنیم، همچنین باید توجه داشت که مجموعه قوانین معرفی شده از طرف مرکز وکلای قوه قضائیه و اسکودا، برای شرکت در آزمون ورودی وکالت دارای اهمیت بسیاری بوده و مطالعه دقیق نص قوانین به همراه مطالعه مفهومی آنها پیشنهاد می‌گردد، اسکودا و مرکز وکلای قوه قضائیه در طی سالیان اخیر با تغییر رویه در طراحی سوالات آزمون ورودی، مبنای طرح سوالات را قوانین خاص قرار داده‌اند. با اینکه در حوزه قوانین فرعی «=خاص» از طرف حقوقدانان نامی و اساتید معظم حقوق، کتابی منبع برای تشریح ابعاد مختلف قوانین فرعی «=خاص» ارایه نشده است، هر چند در لابه لای برخی آثار ارزشمند حقوقی به قوانین فرعی «=خاص» نیز اشاره شده است، در نتیجه بهتر است داوطلبین آزمون ورودی حرفه وکالت، قوانین فرعی و مخصوصاً قوانین جدیدالتصویب را به صورت دقیق و مفهومی مطالعه نمایند. در آینده کتابی مفصل در خصوص شرح کامل و دقیق این مقررات که صرفاً جنبه کاربردی برای آزمون داشته باشد، ارایه خواهیم داد. همچنین مجدداً اعلام می‌گردد که قوانین فرعی «=خاص» برای آزمون ورودی حرفه وکالت و همچنین آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، از منابع مهم آزمون وکالت است، چند سالی است بنا به اعلام

رسمی و تعیین قوانین مورد سوال، از طرف اسکودا و مرکز وکلای قوه قضائیه، داوطلبین آزمون با خیالی آسوده و دور از استرس و همچنین آسوده از تورم بسیار بالای قوانین فرعی «=خاص» اقدام به مطالعه‌ی قوانین معرفی شده می‌نمایند، به هر حال عدم معرفی قوانین، باعث حدوث عسر و حرج و تکلیف بمالایطاق برای داوطلبین این آزمون نیز خواهد بود، همچنین کثرت قوانین معرفی شده نیز میتواند چنین حرجی را ایجاد نماید، همچنین لازم به ذکر است که عدم معرفی قوانین مورد سوال در بازه زمانی مناسب نیز باعث عدم موفقیت بهتر و مناسب داوطلبین در آزمون می‌گردد، به هر حال کانون وکلای دادگستری در اولین سال معرفی قوانین خاص، اقدام به تعیین ۶۵ عنوان قانون فرعی نموده بود که در طی سال‌های بعدی مقدار آنها کاهش پیدا کرد، باید در نظر داشت که قوانین معرفی شده به نوعی «قوانین کاربردی» برای آزمون و همچنین حرفه و کالت نیز می‌باشند، در این مجموعه که پیش روی شما داوطلبین قرار دارد، سعی شده است تمام قوانین فرعی «=خاص» که به نوعی در سال‌های گذشته منبع آزمون ورودی کارآموزی حرفه و کالت بوده است، به صورت دقیق و بروز رسانی شده با آخرین تحولات قانونی، برای شرکت در آزمون ارایه گردد. در نهایت برای دسترسی کامل به تمام «قوانین فرعی=خاص» مورد نیاز در علم حقوق به کتاب، «هندبوک قوانین خاص حقوقی و کیفری» اثر اینجانب مراجعه نمایید. برای اطلاع و آگاهی از تمام قوانین حقوقی و کیفری به کانال زیر مراجعه نمایید.^۱

با تجدید احترام

علی رسولی زکریا^۲

1.  gavaninkhass

2.  alirasoolizakarya@gmail.com

جدول قوانین خاص آزمون‌های وکالت اسکودا و مرکز وکلای قوه قضاییه

ردیف	عنوان قانون خاص	آزمون اسکودا	آزمون مرکز وکلای قوه قضاییه
۱	قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۰۴/۰۲	دارد	دارد
۲	قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲	دارد	دارد
۳	قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱	دارد	دارد
۴	قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶/۰۵/۰۲	دارد	دارد
۵	قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶/۰۵/۲۶	دارد	دارد
۶	قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷	دارد	دارد
۷	قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰	دارد	دارد
۸	قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی	دارد	ندارد
۹	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۰۸/۰۱	دارد	دارد
۱۰	قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴/۰۸/۱۰	دارد	دارد
۱۱	قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷	دارد	ندارد
۱۲	قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳	دارد	دارد
۱۳	قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۱۵	دارد	ندارد
۱۴	قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۰۳/۲۵	دارد	دارد
۱۵	لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵	دارد	ندارد
۱۶	قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۰۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی	دارد	دارد
۱۷	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۰۴/۲۴	ندارد	دارد
۱۸	قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷	دارد	ندارد
۱۹	قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۰۳/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی	دارد	ندارد

ردیف	عنوان قانون خاص	آزمون اسکودا	آزمون مرکز وکلای قوه قضائیه
۲۰	قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۰۴/۱۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی	دارد	دارد
۲۱	قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۴	دارد	ندارد
۲۲	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۰۶/۱۳	دارد	دارد
۲۳	قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۰۳/۰۵	دارد	دارد
۲۴	قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸/۰۷/۲۱	دارد	دارد
۲۵	احکام جزایی قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی	دارد	ر.ک به بند شماره ۳۶ (کلید مواد این قانون منبع آزمون است)
۲۶	قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۰	دارد	ندارد
۲۷	قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۰۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی	دارد	دارد
۲۸	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام	دارد	دارد
۲۹	قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی مینمایند مصوب ۱۳۰۷/۰۵/۰۳	دارد	ندارد
۳۰	قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸/۰۱/۰۵	دارد	ندارد
۳۱	قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵	دارد	ندارد
۳۲	آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ رییس قوه قضائیه	ندارد	دارد
۳۳	قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۰۸/۲۲	ندارد	دارد
۳۴	قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰	ندارد	دارد
۳۵	قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰	ر.ک به بند شماره ۲۵ (قسمت جزایی،)	دارد

ردیف	عنوان قانون خاص	آزمون اسکودا	آزمون مرکز وکلای قوه قضائیه
		مواد ۱۰۰ تا ۱۱۷)	
۳۶	قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و قانون دفاتر رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷	ندارد	دارد
۳۷	قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶	ندارد	دارد
۳۸	آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ رییس قوه قضائیه	ندارد	دارد
۳۹	قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۰۹/۱۹	ندارد	دارد ^۱
۴۰	قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳	مطالعه این قانون ضروری است هر چند در اطلاعیه اسکودا درج نشده است.	دارد
*	قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶/۰۳/۱۵	ندارد	ندارد سابقاً از منابع آزمون بود ^۲
*	آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷ رییس قوه قضائیه با اصلاحات و الحاقات بعدی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۸)	ندارد	ندارد سابقاً از منابع آزمون بود ^۳
*	قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۴	نسخ تبصره ماده (۱) قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۰۱/۱۷ و نسخ ماده (۵) قانون دفتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۲۵ (مطالعه ماده ۳ و ۵ این قانون ضروری است)	

۱. در ادامه متن (استجازه رئیس قوه قضائیه در خصوص نحوه رسیدگی به جرائم اخلاگران در نظام اقتصادی کشور و موافقت مقام معظم رهبری با آن مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۲۰) نیز درج شده است که از منابع آزمون نیست.
۲. در آزمون سال ۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹ از منابع آزمون بوده و در آزمون سال ۱۴۰۰ حذف شده است، لذا در جهت احتیاط در متن کتاب درج می‌شود.
۳. در آزمون سال ۱۳۹۸ الی ۱۳۹۹ از منابع آزمون بوده و در آزمون سال ۱۴۰۰ حذف شده است، لذا در جهت احتیاط در متن کتاب درج می‌شود.

قانون اساسی	
که رجوع کنید به کتاب قانون اساسی بدون غلط، علی رسولی، انتشارات دادستان	
آزمون وکالت مرکز وکلای قوه قضائیه	آزمون وکالت اسکودا
متن قانون اساسی به همراه نظریات مشورتی و تفسیری منبع آزمون است	مطابق اعلامیه اسکودا صرفاً متن قانون اساسی منبع آزمون است.
متون فقه	
آزمون وکالت مرکز وکلای قوه قضائیه	آزمون وکالت اسکودا
کتاب‌های وکالت، شهادت، قضاوت، اقرار، ایمان منبع آزمون است. که مراجعه کنید به کتاب منتخب تحریر الوسیله، علی رسولی زکریا، انتشارات دادستان، چاپ جدید 🌀 کتاب حدود از منابع آزمون وکالت مرکز وکلای قوه قضائیه نیست.	کتاب‌های حدود، وکالت، شهادت منبع آزمون است. که مراجعه کنید به کتاب‌های دو جلدی منتخب تحریر الوسیله، علی رسولی زکریا، انتشارات دادستان، چاپ جدید 🌀 کتاب حدود بصورت جلد دوم چاپ شده است.
که توصیه مهم	
برای مطالعه قوانین مدنی، آیین دادرسی مدنی، تجارت، مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون اساسی؛ مراجعه کنید به مجموعه قوانین بدون غلط معرب (اعراب گذاری شده و تنقیحی) علی رسولی زکریا، انتشارات دادستان، چاپ دوم به بعد.	

توجه؛

این کتاب صرفاً در بردارنده‌ی «قوانین خاص» بوده و برای مطالعه دیگر قوانین به قوانین بدون غلط مراجعه نمایید.

فصل اول: قوانين

قانون امور حسبی^۱ مصوب ۱۳۱۹/۰۴/۰۲

۱. منتشر شده در روزنامه رسمی شماره ۳۴۸۶

- ❖ رأی وحدت رویه مرتبط با قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۰۴/۰۲
۱. رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۰۴/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور چون به موجب ماده ۲۷ قانون امور حسبی تصمیم دادگاه وقتی قابل فرجام است که در قانون تصریح شده باشد و در مورد تصمیم دادگاه راجع به حجر در قانون تصریح به حق فرجام نشده است و مستنبط از ماده ۴۴ قانون مزبور هم که حق فرجام در آن تصریح گردیده ناظر به موردی است که شخص ثالث بر تصمیم دادگاه اعتراض کرده باشد بنابراین احکام مربوط به حجر برای اشخاص ذی نفعی که طبق ماده ۱۵ قانون مذکور در جریان رسیدگی دخالت داشته و عنوان شخص ثالث نداشته‌اند قابل فرجام نمی باشد.
۲. رأی وحدت رویه شماره ۷۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۰۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور حکم ماده ۴۸ قانون امور حسبی که مقرر داشته «امور قیمومت راجع به دادگاهی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است» و در رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۲۳/۰۷/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز بر آن تأکید شده است، ناظر به مواردی است که ابتدائاً باید برای محجور قیم تعیین شود و لکن بعد از تعیین قیم به حکم ماده ۵۴ همان قانون «عزل و تعیین قیم جدید و تعیین قیم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیم کرده است»، بر این اساس در مواردی که دادستان هم طبق ماده ۲۱ قانون یاد شده مکلف به اقدامی باشد دادسرای که در معیت این دادگاه انجام وظیفه می نماید، صالح به رسیدگی است.
۳. رأی وحدت رویه شماره ۷۲ مورخ ۱۳۵۳/۰۹/۰۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور وظایفی که قانون در باب اعلام حجر مجنون یا سفیه به عهده دادستان محول کرده است منافی با اینکه اشخاص ذی نفع در صورت اقتضاء برای اثبات حجر به دادگاه مراجعه کنند نیست فوت کسی که درخواست حجر او شده مانع رسیدگی دادگاه نمی باشد زیرا آثاری که بر حجر مترتب است با فوت محجور از بین نمی رود و دادگاه علی الاصول باید رسیدگی را به طرفیت وراثت ادامه داده و حکم مقتضی صادر نماید.
۴. رأی وحدت رویه شماره ۲۴۶۷ مورخ ۱۳۳۵/۱۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور چون به موجب ماده ۹۹ قانون امور حسبی قیم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود می تواند پژوهش بخواهد لذا تجدید رسیدگی در مرحله بدوی به عنوان غیابی بودن تصمیم مزبور مورد ندارد.
۵. رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با توجه به اینکه صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه بخشی نسبی است و ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی دادگاه بخش را در مورد اعتراض به تصدیق انحصار وراثت مرجع رسیدگی و صدور حکم قرار داده است رسیدگی به موضوع نسب هم در مواردی که اتخاذ نسبت به اعتراض بر تصدیق حصر وراثت مبتنی و متوقف بر رسیدگی به موضوع نسب باشد با همان دادگاه است که به موضوع نسب رسیدگی می نماید.
۶. رأی وحدت رویه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اداره ترکه طبق ماده ۱۶۲ قانون امور حسبی از امور راجع به ترکه است و به موجب ماده ۱۶۳ قانون مزبور با دادگاه بخش آخرین اقامتگاه متوفی در ایران می باشد و موافق ماده ۳۲۷ آن قانون همین که معلوم نباشد متوفی دارای وارث است دادگاه بخش به تقاضای دادستان یا اشخاص ذی نفع اقدام به تعیین مدیر ترکه می نماید اعم از این که متوفی بازرگان یا غیر بازرگان بوده باشد و لزوم رعایت مقررات مربوط به تصفیه امور ورشکسته در مورد اداره ترکه متوفی حسب اشعار ماده ۲۷۴ با لحاظ ماده ۳۳۲ قانون مذکور مستلزم صدور حکم ورشکستگی نسبت به متوفی نخواهد بود.
۷. رأی وحدت رویه شماره ۷۱۹ مورخ ۱۳۹۰/۰۲/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

باب اول: در کلیات

ماده ۱. امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون این که رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌ها باشد.

ماده ۲. رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد مگر آن که خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۳. رسیدگی به امور حسبی در دادگاه‌های حقوقی به عمل می‌آید.

ماده ۴. در موضوعات حسبی هرگاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می‌تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده امر می‌فرستد.

ماده ۵. مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

ماده ۶. در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوعی صالح باشند دادگاهی که بدو به آن رجوع شده است رسیدگی می‌نماید.

ماده ۷. در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاه‌ها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

ماده ۸. دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:

۱. اموری که در آن‌ها ذینفع است.

۲. امور راجع به زوجه خود (زوجه‌ای که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است)

۳. امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه ۱ و ۲ از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.

۴. امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آنها دارد.

ماده ۹. در موارد خودداری دادرس هرگاه در آن حوزه دادرس صلاحیتدار برای رسیدگی نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیکتر ارجاع می‌شود.

ماده ۱۰. در موارد ماده ۷ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند.

مستفاد از مقررات قانون امور حسبی راجع به تقسیم، تقسیم ترکه در صورت عدم تراضی ورثه امری است که محتاج رسیدگی قضایی است و باید در دادگاه به عمل آید. همین حکم در موردی هم که ترکه منحصر به یک یا چند مال غیرمنقول باشد جاری است، بنابراین آراء شعب پنجم و بیست و یکم دیوان عالی کشور که تقسیم ترکه غیرمنقول را از صلاحیت واحد ثبتی محل وقوع مال خارج و در صلاحیت دادگاه دانسته به اکثریت آراء صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

- ماده ۱۱.** عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود.
- ماده ۱۲.** روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تأخیر اندازد مگر این‌که امر از امور فوری باشد.
- ماده ۱۳.** درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد، درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء درخواست‌کننده می‌رسد.
- ماده ۱۴.** در امور حسبی دادرس باید هرگونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلایلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.
- ماده ۱۵.** اشخاص ذینفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.
- تبصره.** نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آن‌ها است.
- ماده ۱۶.** حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.
- ماده ۱۷.** در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است.
- ماده ۱۸.** اشخاص ذی‌نفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند.
- ماده ۱۹.** هرگاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذی‌نفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد دادرس در صورت درخواست دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید.
- ماده ۲۰.** اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است.
- ماده ۲۱.** در مواردی که دادستان مکلف به اقدامی می‌باشد اقدام به عهده دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.
- ماده ۲۲.** دادرس پس از تمام شد بازجویی و رسیدگی منتهی در ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید.
- ماده ۲۳.** تصمیم دادرس باید موّجه و مدّلل باشد.

- ماده ۲۴.** در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است.
- ماده ۲۵.** در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید دادرسی می‌تواند ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.
- ماده ۲۶.** هرگاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود.
- ماده ۲۷.** تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.
- ماده ۲۸.** مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی و احکام دادگاه صادرکننده تصمیم در مورد دعاوی دارد.
- ماده ۲۹.** مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.
- ماده ۳۰.** در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجّه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از شش‌ماه نگذشته باشد.
- ماده ۳۱.** مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهش باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.
- ماده ۳۲.** شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادرکننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می‌شود و دفتر نامبرده باید فوراً شکایت‌نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و منتهی در ظرف دو روز شکایت‌نامه پژوهشی را با برگ‌های مربوط به آن دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است بفرستد.
- ماده ۳۳.** شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت‌مجلس دادگاه درج و به امضای شاکی و دادرسی می‌رسد و این صورت‌مجلس با برگ‌های مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.
- ماده ۳۴.** شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد.
- ماده ۳۵.** شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مگر این که دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.
- ماده ۳۶.** تصمیم دادگاه استان به اتفاق یا به اکثریت آرا معلوم می‌شود.
- ماده ۳۷.** دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید هرگونه رسیدگی و تحقیقی که مفید و لازم بداند بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آورد و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند

آن را تأیید و چنانچه نقضی در تصمیم نامبرده مشاهده کند موافق نظر خود آن را تکمیل می‌نماید و هرگاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند آن را الغاء نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می‌نماید.

ماده ۳۸. هرگاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذی‌نفع یا زیاد شدن نامی مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادرکننده تصمیم مستقلاً یا به درخواست یکی از اشخاص ذی‌نفع آن را تصحیح می‌نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست آن می‌شود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است.

تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود ابلاغ می‌شود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آن هم در موعد مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

ماده ۳۹. هرگاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد افتاد.

ماده ۴۰. هرگاه دادگاه رأساً یا بر حسب تذکر به خطاء تصمیم خود برخورد در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد.

ماده ۴۱. تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است تغییر آن هم محتاج به درخواست است.

ماده ۴۲. هرگاه در استنباط از مواد قانون بین دادرسی‌هایی که رسیدگی پژوهشی می‌کنند اختلاف نظر باشد دادگاهی که به امر حسبی رسیدگی پژوهشی می‌نماید می‌تواند به توسط دادستان دیوان کشور نظر هیأت عمومی دیوان کشور را بخواهد و در این صورت دادگاه نظر خود را با دلایل آن برای دادستان دیوان کشور می‌فرستد و پس از آن که دیوان کشور نظر خود را اعلام کرد دادگاه مکلف است مطابق آن عمل نماید.

ماده ۴۳. دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سوء استنباط از مواد این قانون در دادگاه‌ها بشود یا به اختلاف نظر دادگاه‌ها راجع به امر رحسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیأت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاه‌ها ابلاغ شود و دادگاه‌ها مکلف‌اند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند.

ماده ۴۴. کسانی که تصمیم دادگاه را در امور حسبی برای خود مضر بدانند می‌توانند بر آن اعتراض نمایند خواه تصمیم از دادگاه نخست صادر شده و یا از دادگاه پژوهشی باشد و حکمی که در نتیجه اعتراض صادر می‌شود قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۴۵. مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به نظم جلسه رسیدگی شامل امور حسبی نیز خواهد بود.

ماده ۴۶. در امور حسبی اگر دادرسی آشنا به زبان اشخاص باشد ملزم به مداخله دادن مترجم نیست و در صورت احتیاج به مترجم دادرسی می‌تواند کسی که طرف اعتماد او است برای ترجمه انتخاب نماید. مترجم نباید از اشخاص مذکور در ماده ۸ انتخاب شود.

ماده ۴۷. در مورد دعوی خیانت یا عدم لیاقت و سایر موجبات عزل وصی یا قیم یا ضم امین ترتیب رسیدگی مطابق مقررات این قانون است و حکمی که در این خصوص صادر می‌شود مطابق آیین دادرسی مدنی قابل پژوهش و فرجام است.

باب دوم: در قیمومت

فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت

ماده ۴۸. امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد و برای امور قیمومت صالح است.

ماده ۴۹. هرگاه محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.

ماده ۵۰. در صورتی که محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی دارد مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی مأمور کنسولی ایران قیم موقت برای محجور معین نماید اگر دادگاه تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ نکند تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهد بود.

ماده ۵۱. در صورتی که متوفی دارای صغاری باشد که اقامتگاه آن‌ها مختلف است دادگاهی که برای یک نفر از صغار بدو تعیین قیم کرده است می‌تواند برای صغاری هم که در حوزه آن دادگاه اقامت ندارند قیم معین نماید و اگر قیم معین نشده باشد دادگاهی که کوچک‌ترین صغیر در حوزه آن اقامت دارد برای تعیین قیم نسبت به تمام صغار صلاحیت خواهد داشت و اگر معلوم نباشد کدام یک از صغار کوچک‌ترند هر یک از دادگاه‌ها که صغیر در حوزه آن دادگاه اقامت دارد صالح است.

ماده ۵۲. هرگاه در اقامت‌گاه محجور دادگاه صلاحیت‌دار برای امور قیمومت نباشد امور مزبور با نزدیکترین دادگاه صلاحیت‌دار به اقامتگاه محجور خواهد بود.

ماده ۵۳. در صورتی که اقامتگاه محجور معلوم نباشد امور قیمومت با دادگاهی است که محجور در حوزه آن دادگاه یافت می‌شود.

ماده ۵۴. عزل و تعیین قیّم جدید و تعیین قیّم موقت و سایر امور محجور که راجع به دادگاه است با دادگاهی است که بدو تعیین قیّم کرده است.

فصل دوم: ترتیب تعیین قیّم

ماده ۵۵. علاوه بر اشخاص مذکور در ماده ۱۲۱۹ و ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی شهرداری و اداره آمار و ثبت احوال و مأمورین آن‌ها و دهبان و بخشدار در هر محل مکلفند پس از اطلاع به وجود صغیری که محتاج به تعیین قیّم است به دادستان شهرستان حوزه خود اطلاع دهند.

ماده ۵۶. هر یک از دادگاه‌ها که در جریان دعوی مطلع به وجود محجوری شود که ولی یا وصی یا قیّم نداشته باشد باید به دادستان برای تعیین قیّم اطلاع بدهد.

ماده ۵۷. در رسیدگی به درخواست حجر دادگاه نسبت به اشخاصی که مجنون یا سفیه معرفی شده‌اند هرگونه تحقیقی که لازم بداند به عمل می‌آورد و می‌تواند اشخاصی که اطلاعات آن‌ها را قابل استفاده بداند احضار نموده و یا برای تحقیق از اشخاص نامبرده نماینده بفرستد و پس از رسیدگی و تحقیقات لازم و احراز حجر حکم به حجر می‌دهد و در صورت عدم احراز حجر درخواست حجر را رد می‌نماید.

ماده ۵۸. هرگاه دادگاه لازم بداند از کسی که محجور معرفی شده تحقیق کند و آن شخص نتواند در دادگاه به واسطه عذر موجه حاضر شود دادرس دادگاه شخصاً یا به وسیله نماینده در خارج از دادگاه از او تحقیق می‌نماید.

ماده ۵۹. هرگاه صغیری که ولی خاص ندارد در زمان رسیدن به سن رشد سفیه یا مجنون باشد قیّم باید به دادستان جنون یا سفیه او را اطلاع دهد و دادستان پس از اطلاع به این امر مکلف است در موضوع جنون و سفاهت تحقیق نموده و دلایل آن را اعم از نظریات کارشناس و اطلاعات مطلعین و غیره به دادگاه بفرستد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز جنون یا سفیه حکم به استمرار و بقاء حجر صادر می‌نماید در این صورت ممکن است قیّم سابق را هم به قیمومت ابقاء نمود.

ماده ۶۰. برای چند نفر از اشخاص محتاج به قیّم می‌توان یک قیّم معین نمود مگر آن‌که اداره امور هر یک از آنها محتاج به قیّم علیحده باشد.

ماده ۶۱. پدر یا مادر محجور مادام که شوهر ندارد با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم می‌باشد.

ماده ۶۲. در صورت محجور شدن زن شوهر با داشتن صلاحیت برای قیمومت بر دیگران مقدم است.

ماده ۶۳. در مورد تعدد قیّم و همچنین در موردی که ناظر معین شده است دادگاه معین می‌کند که در صورت اختلاف نظر بین قیّم‌ها یا بین قیّم و ناظر به دادگاه یا شخص ثالثی رجوع نماید و یا ترتیب دیگری را برای رفع اختلاف پیش‌بینی نماید.

ماده ۶۴. دادگاه می‌تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است قبل از صدور حکم و یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن از بعضی یا تمام تصرفات در اموال موقتاً ممنوع نماید و در این صورت دادگاه امینی موقتاً برای حفظ اموال و تصرفاتی که ضرورت دارد معین می‌نماید.

ماده ۶۵. بعد از قطعی شدن حکم حجر به واسطه انقضاء مدت پژوهش یا صدور حکم پژوهشی به حجر اقدام به تعیین قیّم می‌گردد.

ماده ۶۶. دادستان و محجور و قیّم محجور نسبت به تصمیمات دادگاه در موارد زیر می‌توانند پژوهش بخواهند اگر قیّم متعدد باشد هر یک از آنها حق پژوهش دارند:

۱. حکم حجر،
۲. حکم بقاء حجر،
۳. رفع حجر،
۴. رد درخواست حجر،
۵. رد درخواست بقاء حجر،
۶. رد درخواست رفع حجر.

ماده ۶۷. نصب قیّم در صورتی که قیّم در دادگاه حاضر باشد حضوراً به او اعلام و اگر در دادگاه حاضر نباشد باید فوراً به او ابلاغ گردد.

ماده ۶۸. قیّم باید در ظرف سه روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت قبول یا عدم قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد و اگر در این مدت قبول خود را اطلاع نداد یا قیمومت را قبول نکرد دادستان دادگاه را برای تعیین شخص دیگری به سمت قیمومت مطلع می‌کند. و هرگاه قبل از تعیین قیّم جدید شخصی که قبلاً به قیمومت معین شده قبول قیمومت را به دادستان اطلاع دهد شخص دیگری معین نخواهد شد.

ماده ۶۹. دادگاه در تمام امور تصمیمات خود را به هر طریقی که مقتضی بداند به دادستان اطلاع می‌دهد.

ماده ۷۰. اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود لیکن اگر ثابت شود که علت حجر قبل از تاریخ حکم حجر وجود داشته اثر حجر از تاریخ وجود علت حجر مترتب می‌شود.

ماده ۷۱. در مواردی که علت حجر بعد از رشد حادث شده باشد دادگاه باید ابتداءً تاریخ حجر را که بر او معلوم شده است در حکم خود قید نماید.

ماده ۷۲. حکم حجر یا رفع حجر مانع نیست که اگر اهلیت یا عدم اهلیت یکی از متعاملین در دادگاهی قبل از حکم حجر و یا بعد از رفع حجر ثابت شود دادگاه به آنچه نزد او ثابت شده است ترتیب اثر دهد.

ماده ۷۳. در صورتی که محجور ولی یا وصی داشته باشد دادستان و دادگاه حق دخالت در اداره امور او ندارند و فقط دادرس بعد از رسیدگی لازم می‌تواند وصایت وصی را تصدیق نماید.

فصل سوم: اختیارات و مسئولیت قیم

ماده ۷۴. قیم از تاریخی که سمت قیمومت به او اطلاع داده می‌شود شروع به اعمال قیمومت خواهد نمود.
ماده ۷۵. هرگاه قیم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ به او عملی به عنوان قیمومت نسبت به محجور کرده باشد نافذ است.

ماده ۷۶. قیم در سیاهه اموال محجور که در ابتداء دخالت خود تنظیم می‌کند باید برگ‌های بهادار و اسناد دیون و اسناد املاک و تمام برگ‌هایی که دارای اهمیت است ذکر نماید و برگ‌هایی که بهاء و اهمیتی ندارد هر نوعی از آن‌ها را علیحده بایگانی و عدد برگ‌ها را در سیاهه دارایی قید کند.
ماده ۷۷. قیم باید اجرت کسی که برای حفظ اموال از طرف دادستان یا دادرس معین شده است از مال محجور بپردازد.

ماده ۷۸. قیم می‌تواند هزینه تهیه صورت حساب و تسلیم اموال را اگر از اموال محجور برداشته است پس از زوال سمت خود از محجوری که رفع حجر از او شده یا کسی که به جای او به سمت قیمومت منصوب شده است مطالبه نماید.

ماده ۷۹. قیم باید در تربیت و اصلاح حال محجور سعی و اهتمام نماید و در امور او رعایت مصلحت را بنماید.
ماده ۸۰. قیم باید اموال ضایع شدنی محجور را بفروشد و از پول آن با رعایت مصلحت محجور مالی خریداری و یا به ترتیب دیگری که مصلحت باشد رفتار نماید.

ماده ۸۱. قیم می‌تواند با رعایت مصلحت اموال منقول‌ه‌ای که مورد احتیاج محجور نیست فروخته و نسبت به پول آن مطابق ماده فوق عمل نماید.

ماده ۸۲. قیم باید هزینه زندگانی محجور و اشخاص واجب‌النفقه او و همچنین هزینه معالجه آن‌ها را در بیمارستان و غیره و هزینه لازم دیگر از قبیل هزینه تربیت اطفال محجور را بپردازد و اگر محجور دیوانه باشد باید به حسب اقتضاء در خانه یا تیمارستان تحت معالجه قرار داده شود.

ماده ۸۳. اموال غیرمنقول محجور فروخته نخواهد شد. مگر با رعایت غبطه او و تصویب دادستان.

ماده ۸۴. اسناد و اشیاء قیمتی باید با اطلاع دادستان در محل امنی نگاهداری شود و وجوه نقدی که محل احتیاج نیست باید در یکی از بانک‌های معتبر گذاشته شود.

ماده ۸۵. ولی یا قیم می‌تواند در صورتی که مقتضی بداند به محجور اجازه اشتغال بکار یا پیشه‌ای بدهد و در این صورت اجازه نامبرده شامل لوازم آن کار یا پیشه هم خواهد بود.

ماده ۸۶. محجور ممیز می‌تواند اموال و منافع را که به سعی خود او حاصل شده است با اذن ولی یا قیم اداره نماید.

ماده ۸۷. قیم باید بعد از رفع حجر اموال محجور را به تصرف او بدهد و اگر در مدت حجر سمت قیمومت از قیم سلب و به جای او شخص دیگری معین شد اموال را به تصرف قیم بعدی بدهد.

ماده ۸۸. در صورتی که پزشک ازدواج مجنون را لازم بداند قیم با اجازه دادستان می‌تواند برای مجنون ازدواج نماید و هرگاه طلاق زوجه مجنون لازم باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه قیم طلاق می‌دهد.

ماده ۸۹. در صورت فوت قیم ورثه کبیر او اگر باشند مکلف هستند به دادستان اطلاع دهند و مادام که قیم جدید معین نشده حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید که قیم آن‌ها فوت شده به عهده دادستان خواهد بود.

ماده ۹۰. وجوه زاید از احتیاج صغیر را قیم در صورت امکان نباید بدون سود بگذارد و اگر بیش از شش ماه بدون سود گذاشت مسئول تأدیه خسارت به میزان خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود.

ماده ۹۱. در صورتی که پس از تعیین قیم مورث محجور فوت نماید قیم مکلف است در ظرف ده روز درخواست مهر و موم و تحریر ترکه متوفی را بنماید.

ماده ۹۲. بعد از زوال قیمومت مسئول حفظ اموال محجور است تا به تصرف شخصی که باید تصرف نماید بدهد.

ماده ۹۳. هرگاه قیم در پول محجور به سود خود تصرف نماید از تاریخ تصرف مسئول خسارت تأخیر تأدیه می‌باشد.

ماده ۹۴. در صورتی که قیم متعدد بوده و با شرکت یکدیگر در اموال محجور تعدی یا تفریط نمایند هر یک از آن‌ها مسئولیت تضامنی دارند؛ و اگر بعضی از قیمین بدون شرکت دیگران تعدی یا تفریط در اموال محجور نمایند مسئولیت متوجه به کسی خواهد بود که تعدی یا تفریط کرده است.

ماده ۹۵. هزینه حفظ و اداره اموال محجور و هزینه‌ای که برای رسیدگی به امور محجور و انجام وظایف قیمومت لازم می‌شود از اموال محجور تأدیه می‌گردد.

فصل چهارم: عزل قیّم

ماده ۹۶. محجور ممیز می‌تواند از قیّم برای ندادن هزینه و کوتاهی او در تربیت و نگاهداری خود شکایت نماید در این صورت هرگاه دادگاه شکایت را وارد دید دستوری که مناسب است می‌دهد و قیّم باید بر طبق آن دستور عمل کند.

مفاد این ماده در موردی که دادستان کوتاهی قیّم را در تربیت و نگاهداری محجور و دادن هزینه او به دادگاه اطلاع بدهد اجرا خواهد شد.

ماده ۹۷. محجور و هر ذی‌علاقه‌ای می‌تواند به دادستان وجود سبب عزل قیّم را اطلاع دهند در این صورت اگر دادستان سبب عزل را موجود دید از دادگاه درخواست عزل قیّم را می‌نماید.

ماده ۹۸. برای رسیدگی به درخواست عزل قیّم باید قیّم و در صورت لزوم دادستان احضار شوند و حکمی که راجع به عزل صادر می‌شود باید مدلل و موجه باشد.

ماده ۹۹. قیّم از تصمیم دادگاه راجع به عزل خود و دادستان از رد درخواست عزل قیّم می‌تواند پژوهش بخواهند و مادامی که تکلیف قطعی معین نشده امور صغیر به وسیله دادستان یا قیّمی که موقتاً برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد.

ماده ۱۰۰. اعمال قیّم بعد از ابلاغ حکم عزل او نافذ نیست.

ماده ۱۰۱. در مورد ماده ۱۲۴۴ قانون مدنی اگر قیّم قبل از تعیین شخص دیگری به جای او صورت-حساب را فرستاده یا معلوم شود که تأخیر در فرستادن صورت حساب به واسطه عذر موجه بوده است ممکن است همان شخص را به قیمومت ابقاء یا مجدداً او را به قیمومت معین نمود.

ماده ۱۰۲. محجور می‌تواند در موارد رفع حجر اعلام خروج از قیمومت را از دادگاه بخواهد و دادگاه پس از رسیدگی و احراز موجب رفع حجر، خروج محجور را از تحت قیمومت اعلام می‌نماید.

باب سوم: امور راجع به امین

ماده ۱۰۳. علاوه بر مواردی که مطابق قانون مدنی تعیین امین می‌شود در موارد زیر نیز امین معین خواهد شد:

۱. برای اداره سهم الارثی که ممکن است از ترکه متوفی به جنین تعلق گیرد در صورتی که جنین ولی یا وصی نداشته باشد.

۲. برای اداره اموالی که به مصارف عمومی اختصاص داده شده و مدیری نداشته باشد.

ماده ۱۰۴. کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعض اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود.

ماده ۱۰۵. تعیین امین برای جنین در دادگاه شهرستانی به عمل می‌آید که مادر جنین در حوزه آن دادگاه اقامت دارد و برای کسی که عاجز از اداره اموال خود است دادگاه شهرستانی که شخص نامبرده در حوزه آن اقامت دارد و در سایر مواردی که احتیاج به تعیین امین پیدا می‌شود دادگاه شهرستانی صالح است که در حوزه آن دادگاه احتیاج به تعیین امین حاصل شده است.

ماده ۱۰۶. سایر امور مربوطه به امین با دادگاهی است که امین را تعیین کرده است.

ماده ۱۰۷. در مورد جنین دادستان و اقرای جنین و در مورد مصارف عمومی دادستان و هر ذی نفعی می‌تواند از دادگاه درخواست تعیین امین نماید.

ماده ۱۰۸. دادستان می‌تواند اشخاصی را که برای سمت امانت مناسب باشند به دادگاه معرفی نموده و دادگاه پس از احراز لزوم تعیین امین از بین اشخاص نامبرده یا اشخاص دیگر که طرف اعتماد باشند یک یا چند نفر را به سمت امین معین می‌نماید.

ماده ۱۰۹. مادر جنین در صورت داشتن صلاحیت بر دیگران مقدم است و در صورت عدم صلاحیت یا عدم قبول او اقرای نسبی و سببی جنین بر دیگران مقدم خواهند بود.

ماده ۱۱۰. در غیر مورد جنین پدر و جد و مادر و اولاد و زن و شوهر کسی که امین برای اداره اموال او معین می‌شود با داشتن صلاحیت به ترتیب مذکور بر دیگران تقدم دارند و در صورت نبودن اشخاص مذکور سایر اقربا بر دیگران مقدم هستند.

ماده ۱۱۱. دادگاه می‌تواند علاوه بر امین یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید.

ماده ۱۱۲. در صورت تعدد امین و ناظر دادگاه باید حدود اختیارات آن‌ها را معین نماید و نیز می‌تواند وظایف امنای متعدد را تفکیک کند.

ماده ۱۱۳. حفظ و نظارت اموال در مواردی که محتاج به تعیین امین است مادام که امین معین نشده به عهده دادستانی است که اموال در حوزه او یافت می‌شود.

ماده ۱۱۴. در خارج ایران مأمورین کنسولی ایران حق دارند برای اداره اموال ایرانیان که محتاج به تعیین امین و واقع در حوزه مأموریت آن‌ها است موقتاً نصب امین نمایند و باید تا ده روز پس از نصب امین مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستند نصب امین نامبرده وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه شهرستان تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ کند.

ماده ۱۱۵. وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون و نظامات مربوطه در مورد دخالت دادستان‌ها در امور محتاج به تعیین امین مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین کنسولی خواهد بود.